

جمعیت و توسعه*

مترجم: علی میرزائی

اگر به جهان امروز بنگریم، درمی یابیم که آهنگ رشد جمعیت جهان، رو به کند شدن دارد و از رقم تخمینی ۱/۹٪ در دو - سه دهه گذشته، به ۱/۷٪ رسیده است. این دستاوردی قابل توجه است، چرا که این کاهش مربوط به کشورهای در حال توسعه است و به کوششهای پیگیر دولتها در توجه به برنامه های جمعیتی نیز بستگی دارد؛ کاری که از ۱۵-۲۰ سال گذشته آغاز شده است.

نخستین کشوری که از گنجانیدن برنامه های جمعیتی در برنامه های توسعه اش حمایت کرد، هندوستان بود، و این کار را در دهه ۱۹۵۰ انجام داد. ولی در اواخر دهه ۱۹۶۰ بود که تمامی کشورهای در حال توسعه منظور نمودن برنامه های جمعیتی را در برنامه های توسعه خود، آغاز کردند. انتظار می رود که آهنگ رشد جمعیت از ۱/۷٪ هم پایین تر برود و در سال ۲۰۰۰ به ۱/۵٪ برسد. ولی این به معنای رشد نیافتن مطلق جمعیت نیست، زیرا در هر سال، جمعیت جهان حدود ۸۰ میلیون نفر افزایش می یابد. بدین ترتیب در آغاز قرن بیست و یکم، مجموع جمعیت جهان به ۶ میلیارد و یکصد میلیون نفر می رسد.

کشورهای در حال توسعه کوشش برای پرداختن به مسائل جمعیتی خود از چشم انداز برنامه های توسعه را افزون کرده اند، اما برخوردها متفاوت است.

کشورها، همیشه از محدودیت باروری و یا کاهش آهنگ رشد، حمایت نمی کنند. برخی از کشورها، محققا می خواهند که آهنگ باروری و نرخ رشد جمعیت را افزایش بدهند، ۸۰٪ از دولت های کشورهای در حال توسعه می خواهند که باروری را کاهش بدهند و ۳٪ از حکومتها مایل به افزایش جمعیت خود هستند، در حالی که ۱۷٪ باقی مانده، از آهنگ رشد فعلی جمعیت خود رضایت دارند.

یک بررسی منطقه ای نشان می دهد که اکثر کشورهای آسیایی می خواهند که از آهنگ رشد جمعیت خود بکاهدند، چرا که فشار جمعیت کنونی آنها - به عنوان یک واقعیت بی نهایت ناگوار برای اکثر

* Rafael M. Salas. "Population and Development." in A Society for International development: Prospectus 1984. Edited by Ann Mattis (USA: Duke University Press, 1983).

کشورها - سرسام آواراست. کشورهای آفریقایی جنوب صحرا، به رشد کنونی جمعیت خود راضی هستند و آمریکای لاتین آمیزه‌های از دو وضعیت مذکور است: برخی از کشورهای آمریکای لاتین بویژه در آمریکای مرکزی و کارائیب، به علت فشار جمعیت، در واقع می‌خواهند که رشد جمعیت خود را کاهش دهند، اما در آمریکای جنوبی، دولتهایی که وضع جمعیت در سرزمین آنها متعادل است، مایل هستند که آهنگ رشد جمعیت خود را تشدید کنند. خاورمیانه نیز وضعیت آمریکای لاتین را دارد. برخی از کشورها می‌خواهند که جمعیت خود را - به علت نیاز به نیروی کار - افزایش دهند در حالی که برخی از کشورها، مانند مصر، برنامه‌هایی برای کاهش باروری اجرا می‌کنند.

در حایی که امکان نوآوری وجود دارد و منابع مالی و فنی در خدمت آن است، حتی رشد سریع جمعیت را می‌توان با عرضه غذا و سایر نیازمندیها همساز کرد. ولی مسئله این است که افزایش جمعیت تا چه وقت می‌تواند ادامه یابد. این فقط یک مبحث نظری نیست که بتوان به سادگی از آن گذشت. در مورد آثار بلندمدت کودها و آفت‌کشها و در مورد ماندابی شدن (water logging) و شور شدن زمین در مکانهایی که نیاز به آبیاری دارد، نگرانیهای عمومی فراوان است. در این موارد اطلاعات بیشتری مورد نیاز است، بویژه از جنبه تأثیرگذاری بر حوامی که فرایند نوین‌سازی (modernization) را می‌گذرانند.

اکنون آهنگ رشد جمعیت در کشورهای صنعتی جهان، به‌طور متوسط در حدود ۶٪ تا ۷٪ است و این بدان معناست که کم و بیش، در این بخش از جهان، شمار جمعیت از ثبات برخوردار است. دلمشغولی اولیه این جوامع، آهنگ و میزان رشد جمعیت نیست بلکه سالمندی جمعیت و در مرحله بعد، شهرگرایی جمعیت است که همچنان ادامه دارد. کشورهای در حال توسعه کنونی نیز به‌طور حدی با مسئله شهرنشین شدن جمعیت خود روبه‌رو هستند. ولی شالوده صنعتی، برای فراهم کردن امکان اشتغال و تحمل جمعیتی که همچنان رو به افزایش دارد، فراهم نشده است. ما اکنون باید در پی یافتن ابزار و مکانهایی باشیم که فشار بر شهرهای اصلی و بزرگ را کم کند و در پی دستیابی به الگوهای مصرف و روندهای جمعیت که می‌تواند بیشترین یاری را به این فرایند بکند، و اینکه چگونه نیازهای رشد و توسعه شهری می‌تواند با نیاز به حفظ محیط زیست طبیعی هماهنگ شود.

در تمامی پیشرفتهای حاصله، یکونیم دهه گذشته، موارد متعددی بوده است که می‌بایست مورد توجه قرار می‌گرفت: نخستین آنها درک این واقعیت است که اکنون کشورها ظرفیت عمل در زمینه جمعیت را پیدا کرده‌اند. این یک چشم‌انداز کاملاً متفاوت است که از ۱۰ - ۱۵ سال گذشته، کشورها جمعیت را به صورت مجرد، همچون متغیری اساسی، مورد توجه قرار داده‌اند؛ یعنی به مطالعه جمعیت پرداخته‌اند، زیرا این موضوع بر برنامه‌های دیگر اثر می‌گذارد. به‌عنوان نمونه، رشد جمعیت مورد بررسی قرار گرفت تا تعداد دانش‌آموزان مشخص شود و بر پایه آن بدانیم چند مدرسه باید ساخته شود. پیش از این، هرگز در این اندیشه نبودند که به‌عنوان یک نیاز برنامه‌ای، برای دستیابی به باروری کمتر، کاری باید

انجام شود زیرا این امر، ارتباط متقابلی با برنامه‌های توسعه اقتصادی دارد. این برداشت دولت‌ها از مفهوم جمعیت و از ظرفیت عمل، تفاوت عمده‌ای را در گرایشها (attitudes) و سیاستهایی که در ده سال گذشته بدیهی بوده‌است، به نمایش می‌گذارد.

امروزه هنگامی که از جمعیت صحبت می‌کنیم، نه فقط برنامه‌های تنظیم خانواده، بلکه گردآوری داده‌های بایدرا که جمعیت را به برنامه‌های توسعه مربوط می‌کند - نیز در نظر داریم. از جمله: سرشماریها، بررسیها، پویایی‌شناسی جمعیت (که متغیرهای اقتصادی و اجتماعی را با جمعیت مربوط می‌سازد)، آموزش و پرورش جمعیت، ایجاد ارتباط از طریق اشاعه اطلاعات، هم به‌طور رسمی (از طریق نهادهای آموزشی و رسانه‌ها) و هم ارتباطهای رودررو در زمینه اهمیت مفهوم درباب رفتار فرد و خانواده. عامل دیگری که در طی این سالها بروز کرده‌است، این است که جمعیت می‌بایست همیشه با عاملهای اقتصادی - اجتماعی، مثلاً "با مشارکت اقتصادی زنان، میزان بیسوادی بالا که در بسیاری از کشورها نودگی است، توزیع عادلانه‌تر درآمد، حقوق اجتماعی مساوی و فرصتهای مساوی برای زنان، مربوط شود. نابرابریهای فاحشی که اکنون در کشورها و میان کشورها وجود دارد، فرصت مشارکت را از بسیاری از مردم - از جمله فقیرترین آنها و زنان و پسران - سلب کرده‌است. بهره‌گیری مطلوب از مشارکت بزرگترین منبع مشارکت یک‌ملت در فرایند توسعه (یعنی مردم) به ایجاد فرصت مطلوب برای هر فرد و جامعه در این فرایند، نیاز دارد. از این رو، سیاست جمعیتی باید برای هرچه کاملتر جلوه‌گر ساختن این نیازها، شکل گیرد.

سرانجام، در بررسی جمعیت، باید با مطالعه‌های زیست محیطی، ارتباط لازم را برقرار کنیم. سیاستهای جمعیتی، باید با کوششهایی که امروزه در ارتباط با محیط زیست به عمل می‌آید، مربوط شود. برقراری تعادل میان جمعیت، منابع و محیط زیست، همزمان با دنبال کردن هدفهای توسعه جامع، به میزان قابل توجهی ارتباط دارد به‌اینکه با چه سرعتی می‌توان آهنگ رشد جمعیت را کند کرد؛ ولی همچنین مربوط است به گسترده کردن منابع موجود، به عنوان نمونه، آبیاری، احیای جنگلها، و استفاده برنامه‌ریزی شده از زمین. این امر، همراه با ایجاد کاهش در میزان مرگ و میر، به تدریج بر باروری نیز اثر می‌گذارد. کوششهای ترکیب یافته رشته‌های مختلف، کمک می‌کند که دریاها چه ترکیبی از جمعیت و سایر منابع توسعه، در شکل‌گیری سیاستهای مناسب، "موثرترین" است.